

مجوزهای فناوری کجا ابزار تنظیم بازارند

و کجामزیت رقابتی می‌سازند؟

مرز باریک تنظیم‌گری و اقتصاد مجوز

صفحه ۶ ▶

نیاز اقتصاد ایران

بریکس در مسیر توسعه؛ ایران در جمع قدرت‌های نو ظهور اقتصادی

جهان در مسیر دلارزدایی

مجموعه‌ای ۱۱ عضوی تبدیل شده‌و حضور ایران در میان اعضای آن، دامنه جغرافیایی و اهمیت اقتصادی این گروه در خاورمیانه نیز گسترش یافته‌است. نشست‌امسال بریکس

گزارش دوم

از دهلی نو تا تجارت واقعی؛ آیا عضویت به تجارت واقعی می‌رسد؟

بریکس آزمونی برای تجارت ایران



«تعالد» در یادداشتی از بهمن اکبری آخرین تحولات یمن را بررسی می‌کند

یمن در میانه جنگ یا مذاکره

برای آنها مشروعیت بین‌المللی به از معنای می‌آورد هر چند خطر انشعاب داخلی را افزایش می‌دهد. برای یمن، یمنستان، تشدید فرصتی است برای خروج

از آنها را آشکار می‌سازد:

■ **احتمال وقوع وفاق زمانی:** در کوتاه‌مدت، سناریوی تصعیدنظامی به‌دلیل برتری میدانی انصارالله و فشار افکار عمومی بر ریاض، احتمالی بسیار بالا دارد.

در مقابل، سناریوی دیپلماسی روندی میان‌مدت به‌شمار می‌رود که احتمال تحقق آن از سطح متوسط تا بالا متغیر است.

■ **ابعاد انسانی و امنیت انرژی:** سناریوی تشدید، هزینه‌های انسانی بسیار سنگین و بحرانی به همراه دارد، خطوط کشتریانی دریای سرخ را مختل می‌کند

و قیمت نفت را با جهشی که سابقه (احتمال انصارالله به ۲۰۰ دلار) رو به روی می‌سازد. در طرف مقابل، مسیر دیپلماسی هزینه‌های انسانی را کنترل رو به کاهش

می‌گذارد، امنیت نسبی در یمن رو دی را احیا می‌کند و قیمت نفت را به سمت ثبات سوق می‌دهد.

■ **سطح مناقشه منطقه‌ای:** در صورت تشدید، ریسک سرایت جنگ به‌بازیرگان بیرونی مانند اسرائیل و پاکستان فوق‌العاده بالا خواهد بود؛ حال آنکه مذاکره این چارچوبت‌ها عدد ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار واحد را

■ **موازنه سود و زیان بازیگران:** برای انصارالله

تشدید موجب تثبیت موقعیت میدانی اما همراه با خطر انزوای سیاسی است، در حالی که مذاکره

«پیمان دفاعی مکه» (میان عربستان، پاکستان و ترکیه)، امکان کشیده شدن پای بازیگران جدید به

مرکز را فراهم کرده‌است.

■ **پیامدهای زیانبار تشدید:** ورود بدون پیش‌اطلاع به مناطق مسکونی، فلج شدن بیش از ۴۰ درصد از سیستم درمانی یمن و آوارگی ده‌ها هزار تن دیگر، ابعاد فاجعه انسانی را گسترده‌تر می‌سازد. در بعد اقتصادی، بسته‌شدن احتمالی باب‌المندب توانایی جهش قیمت نفت برنت به مرز ۲۰۰ دلار دارد. همچنین مانورهای تدافعی-تهاجمی اسرائیل در «ام‌الرشاش» (یالات) و احتمال فعال‌سازی پندهای حمایتی پیمان مکه، منطقه را تا آستانه یک حریق فراگیر پیش می‌برد.

■ **سناریو دوم:** بازگشت به دیپلماسی، مسیر دشوار اما اجتناب‌ناپذیر؛ این سناریو بر پرقراری تعادل ناشی از «فرسایش توان طرفین» تأکید دارد. خروج کامل نیروهای اماراتی از یمن و کاهش چشمگیر صادرات نفت عربستان، برده‌از هزینه‌های طاقت‌فرسای جنگ ریاض نیز با گسیل موج تازه حملات هوایی نشان داده

تلاش‌های فرستاده ویژه سازمان ملل و تحرکات دیپلماتیک مسقط، بستر مناسبی را برای احیای نقشه راه صلح فراهم کرده‌است و آزادی ۱۶۰۰ اسیر انتحاری سری «صمد» و «قاصف» و تسلط بر نقاط

پا فشاری دولت عدن بر «تسلیم کامل انصارالله» و در مقابل، شرطی پی‌چون و چرای صنعتی به «غو کامل محاصره»؛ دستیابی به توافق را شکننده کرده‌است.

تصرف بندر راهبردی «المخا» به دست نیروهای انصارالله، یمن را در حساس‌ترین عطف تاریخی پس از یک دهه نبرد قرار داده‌است. تسلط نه روزه بر این بندر استراتژیک، فاصله انصارالله را با تنگه حیاتی «باب‌المندب» به کمتر از ۵۰ کیلومتر رسانده و عملاً موازنه قدرت در آب‌های دریای سرخ را به نفع صفا تغییر داده‌است. این پیشروی نه تنها آرایش سیاسی را دگرگون ساخته، بلکه معادلات امنیت بین‌الملل و بازار جهانی انرژی را نیز دچار تکانه‌های جدی کرده‌است. در چنین بستری، آینده یمن میان دوسناریو درنوسان است: سناریوهایی که هر یک پیامدهای ژئوپلیتیک خاص خود را دارند.

■ **سناریو نخست:** تشدید نظامی و منطق جنگ فرسایشی: این سناریو بر مفروض «تداوم محاصره و گسترش عملیات میدانی» استوار است. انصارالله صریحاً هشدار داده که رف‌ع نشدن محاصره یمن، به معنای ورود به فاز تهاجمی‌تر خواهد بود؛ در مقابل، ریاض نیز با گسیل موج تازه حملات هوایی نشان داده که قصد عقب‌نشینی ندارد.

■ **پیش‌ران‌های سناریو تشدید:** دستیابی انصارالله به موشک‌های بالستیک دوربرد، پهنادهای انتحاری سری «صمد» و «قاصف» و تسلط بر نقاطی چون جزیره «قر»؛ اراده تهاجمی این گروه را تقویت کرده‌است. ازسوی دیگر، ریاض که سال‌ها به دنبال خروجی آبرومندانه از باتلاقی یمن بود، اینک با تثبیت



هابیل خاوری

هفته گذشته بازار سرمایه

مسیری پرخیز، پرحادثه، پرناتفاقی و البته پرچشم را آغاز کرد و به پایان رساند؛ هفته‌ای که حجم معاملات، گردش اخبار و مجموعه اتفاقات رخ داده در آن، نشان از شرایطی کلا

مختلف و باهفته‌قبل داشت.

این هفته را می‌توان از آن جهت مهم دانست که بازار پس از رشدهای اخیر و ایجاد سقف‌های جدید در اکثر نواحی، تا حدودی عیار اصلی خود را نشان داد و مشخص کرد که در شرایط فعلی تا چه اندازه توان ادامه مسیر را دارد. به نظر می‌رسد هفته آینده نیز بازار را در شرایطی آغاز خواهیم کرد که آرامش نسبی به تنگه‌هرمز بازگشته‌است. البته تحولات لبنان و یمن همچنان در اوج خود قرار دارد و فضای سیاسی و منطقه‌ای همچنان با ریسک‌های مختلفی همراه است. اما نکته مهم اینجاست که فضای عمومی بازار در هفته گذشته فضای جنگی نبود حتی در طول معاملات خبرهایی درباره پیشنه‌ها

در طول معاملات نیز شایعاتی درباره منامه هم‌سازمان بورس به‌صندوق‌های اهرمی مطرح شد این صندوق‌ها که مدتی از لیبرای بازار فاصله گرفته‌و از صدر معاملات دور افتاده بودند، بار دیگر به جایگاه قبلی خود بازگشتند و شوک خوبی به بازار

یادداشت - ۱

نفت پس از تسلط بر باب‌المندب

در دنیای درهم تنیده سیاست و اقتصاد، «دراک بازار» گاهی از واقعیت‌های میدانی نیز قدرتمندتر عمل می‌کند. در حالی که منطقه خاورمیانه تحت تأثیر تنش‌های مداوم

در تنگه هرمز و زیرساخت‌های انرژی، روی لبه تیغ حرکت می‌کند، تغییر رویکرد دیپلماتیک دولت چهاردهم و شخص مسعود پزشکیان به «لنگرگاه ثبات» در بازارهای انرژی تبدیل شده است. اگر امروز شاهد جهش‌های وحشتناک در قیمت نفت نیستیم، محصول مستقیم سیاست تنش‌زدایی و عقلانی‌است که تهران را از «عامل ناامنی» به «شریک امنیت» تبدیل کرده‌است؛ سیاستی که اگر غایب بود، اقتصاد جهان و به تبع آن اقتصاد ایران، امروز در گرداب التهاب غرق می‌شد.

بازار نفت، بازار ترس و طمع است. در لحظاتی که تهدیدهای امنیتی بر سر شریان‌های حیاتی انرژی جهان سایه می‌افکند، معامله‌گران نه بر اساس «تولید و مصرف»، بلکه بر اساس «سناریوهای جنگی» قیمت‌گذاری می‌کنند. وقتی اخبار حملات پهنپادی در یمن یا انسدادهای احتمالی در تنگه هرمز منتشر می‌شود، اولین چیزی که در ذهن بازار جهانی نقش می‌بندد، نه «کمبود عرضه»، بلکه «ریسک ژئوپلیتیک» است. در گذشته‌ای نه چندان دور، هر تنش کوچکی در منطقه، فاکتور «ریسک ایران» را در قیمت نفت فعال می‌کرد و قیمت‌ها را با شتابی نگران‌کننده به سمت کانال‌های غیرمتعارف می‌برد. اما امروز، معادله در حال تغییر است.

۱- **دیپلماسی به مثابه «حق بیمه» برای بازار نفت:** تغییر رویکرد دیپلماتیک دولت چهاردهم در اجلاس‌های اخیر (بریکس و شانگهای)، فاکتور از یک مانور سیاسی، یک «سیاست‌گذاری اقتصادی» هوشمندانه است. دکتر پزشکیان در سخنرانی‌های خود آگاهانه بر یک کلدواوتر تمرکز کرده‌است: «تأمین امنیت جمعی». این پیام که «ایران بخشی از مشکل انرژی نیست، بلکه بخشی از راهکار امنیت آن است»، در اتاق‌های فکر وال‌استریت و بازارهای لندن به درستی شنیده‌شد.

اگر این موضوع گیری‌های صریح در جهت تنش‌زدایی وجود نداشت، بازار انرژی به محض شنیدن اولین صدای انفجار در زیرساخت‌های عربستان یا اولین گزارش از فعالیت انصارالله در باب‌المندب، دچار «شوک عرضه» می‌شد. فقدان یک دیپلماسی فعال، خلأیی ایجاد می‌کند که دلالتان جنگ و حامیان سناریوهای تهاجمی پر می‌کنند. اما اکنون، با استراتژی دولت چهاردهم، این پرمیوم ریسک (Risk Premium) یا همان هزینه سیاسی اضافه، تا حد زیادی از قیمت نفت حذف شده‌است.

۲- **سناریوی هولناک «عدم تنش‌زدایی»:** برای درک اهمیت این سیاست، کافی است جهانی بدون دیپلماسی دولت چهاردهم را تصور کنیم. اگر تهران همچنان بر طبل تقابل کامل می‌کوبید و سیگنال‌های دوپهلوی امنیتی مخابره می‌کرد، هر تحرکی در منطقه به مثابه «جنگ گسترده» تفسیر می‌شد. در آن صورت، قیمت نفت نه در محدوده ۱۰۰ دلار، که احتمالاً با نرخ‌های بسیار بالاتری نوسان می‌کرد.

این اتفاق نفتی، دو پیامد فاجعه‌بار برای ایران داشت:

(الف) **انزوای کامل دیپلماتیک:** وقتی بازار نفت به دلیل رفتارهای ایران منتهب شود، اجماع جهانی علیه کشورمان (حتی توسط متحدان غیررسمی) به‌احتی شکل می‌گیرد.

(ب) **فشار مضاعف بر اقتصاد ملی:** التهاب تورم، وارداتی را به کشور تحمیل می‌کند. مدیریت اقتصاد داخلی در شرایطی که نفت جهانی دچار شوک‌های قیمتی غیرمنطقی است، عملکرد غیرممکن می‌شود.

۳- **جنگ عقلا نیست با «خود تحریمی داخلی»:** تکتک تلخ اینجاست که این موقعیت استراتژیک در عرصه دیپلماسی، با «کارشکنی‌های داخلی» مواجه شده‌است. در حالی که رییس‌جمهور در هند و در اجلاس بریکس تلاش می‌کند تصویر ایران صلح‌طلب را تثبیت کند، برخی جریان‌های تندرو در مجلس و رسانه‌های خاص، با اظهار نظرهای رادیکال و اصرار بر «مصداق موقعیت‌های منطقه‌ای»، عملاً در حوال خنثی کردن این دستاورد هستند.

این رفتارهای ناهماهنگ، «سیگنال‌های متناقض» به بازار می‌فرستد. بازار رفت بر آرمش نیاز به «ثبات در گفتار» دارد. وقتی دولت یک چیز می‌گوید و برخی تریبون‌های داخلی چیز دیگری، بازار دچار سردرگمی می‌شود و این سردرگمی، موتور تورم و نوسان است. کسانی که در داخل کشور با ادعای انقلابی‌گری به دنبال تخریب دیپلماسی دولت هستند، در واقع آدرس اشتباهی به دشمن می‌دهند و هزینه این بی‌تدبیری را مردم با تورم و ناامنی اقتصادی می‌پردازند.

جمع‌بندی: امنیت انرژی؛ نیاز حیاتی ایران: دیپلماسی تنش‌زدای دولت چهاردهم، نه‌از سر ضعف، که از سر درک درست واقعیت‌های اقتصادی است. **ادامه در صفحه ۳**

دستمزد کارگران در نیمه دوم سال ترمیم مزد در انتظار تصمیم شورای عالی کار

اقتصاد خانواده زیر فشار تورم

صفحه ۸ ▶

گزارش «تعالد» از زلزله ۶درصدی عرضه و تب تند طلای سیاه

در سال ۲۰۲۶

شمارش معکوس برای پاییز داغ نفت

گلناز برتوی مهر | بازار جهانی نفت این روزها نه با منطق کلاسیک «عرضه و تقاضا» بلکه با منطق «بحران و غافلگیری» نفس می‌کشد. ارقام تازه منتشرشده و هشدارهای جدید نشان می‌دهند که سال ۲۰۲۶ بر خلاف انتظارات اولیه، نه سال بازگشت به ثبات، بلکه سال تعمیق یکی از بی‌سابقه‌ترین شوک‌های عرضه‌در...

«تعالد» بررسی می‌کند

بلا تکلیفی ادامه‌دار سهام عدالت

سهام عدالت در زمان آغاز اجرای طرح، قرار بود یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های توزیع مالکیت در اقتصاد کشور باشد؛ طرحی که با انتقال بخشی از مالکیت شرکت‌های بزرگ به میلیون‌ها نفر، قرار بود گروه عظیمی از مردم را به سهامداری واقعی در بازار سرمایه تبدیل کند. با آغاز فرآیند آزادسازی در سال ۱۳۹۹ نیز انتظار می‌رفت این مالکیت از یک دارایی اسامی فراتر رفته و امکان اعمال حقوق سهامداری، حق در تصمیم‌گیری‌ها و در نهایت نقدشوندگی دارایی برای مشمولان فراهم شود. اما امروز واقعیت‌ها با تصورات همخوانی ندارد. باین حال، سال‌ها پس از آغاز آزادسازی، بخشی از سهام عدالت همچنان در یکی از طولانی‌ترین پرونده‌های تعیین تکلیف بازار سرمایه گرفتار شده‌است. نماد شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی سهام عدالت که قرار بود یکی از مسیرهای حضور غیرمستقیم مشمولان در بازار سرمایه باشد، همچنان با چالش‌هایی در زمینه برگزاری مجامع، ساختار مدیریتی...

یادداشت - ۳

اهمیت ایجاد ثبات اقتصادی



محمد تقی فیاضی

در شرایط کنونی ایجاد ثبات در اقتصاد از مسیر مهار شتاب تورم مهم‌ترین اقدامی است که دولت می‌تواند برای اقتصاد داخلی انجام دهد، زیرا مهم‌ترین معضل فعلی اقتصاد، رشد تورم است.

در دو ماه اخیر با سیاست‌های پولی بانک مرکزی مقداری از شتاب تورم کم شده‌است، با این وجود هنوز با نرخ‌های بالایی از تورم روبه‌رو هستیم که این موضوع به آفق و چشم‌انداز سرمایه‌گذاری و تولید صدمه می‌زند و به‌طور مستقیم معیشت خانوارها و قدرت خرید آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در شرایط کنونی انتقال اخبار واقعی و شفاف‌سازی تصمیماتی که دولت می‌خواهد برای اقتصاد بگیرد، بسیار مهم است و حتی بیان شفاف مسائل مرتبط با سیاست‌های خارجی نیز در جهت آرامش بخشی به بازارها اهمیت ویژه دارد.

با توجه به کسری بودجه دولت، انتظار می‌رود تدابیری اندیشیده شود که جبران آن از محل استقرار استیضاحات و بانک مرکزی صورت نگیرد، بلکه با کاهش هزینه‌های غیرضروری دولت تعادل به بودجه باز گردد.

اگر سیاست‌های اعلامی رییس کل بانک مرکزی مبتنی بر برپهیز از چاب پول و استسراف در عمل اتفاق بیفتد و با بانک‌های ناتراز هم برخورد جدی‌تری صورت گرفته و جلوی اضافه‌برداشت آنها گرفته شود، مهم‌ترین کاری خواهد بود که دولت و بانک مرکزی در شرایط کنونی انجام دهند.

محدودسازی تجارت و محاصره دریایی از سوی دشمن آثار خود را بر تولید دارد و به افزایش هزینه تأمین کالاها منجر می‌شود، اما در عین حال نباید از تأمین مالی تولید و همچنین مواد اولیه با وجود همه سختی‌ها غافل شد. اجرای سیاست‌های مختلف اقتصادی برای مهار تورم در کوتاه‌مدت منجر به نتیجه نمی‌شود و ضمن آنکه تورم ناشی از محدودیت‌های تجاری نیز در ماه‌های آینده به نرخ‌های کنونی افزوده خواهد شد. خالی بودن ظرفیت‌های تولید در اقتصاد ایران این پیام را دارد که مشکل اصلی تولید، تأمین مالی و مواد اولیه است، زیرا تولید و اقتصاد به ویژه در سال‌های اخیر زیر ضرب تحریم‌ها و فشارهای خارجی قرار دارد و در هفته‌های اخیر نیز وزیر خزانهداری آمریکا به‌طور علنی اعلام کرده که با تشدید تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی به دنبال به زانو در آوردن ایران است.

بامهار تورم و افزایش تولید می‌توان قدرت خرید خانوار به ویژه اقشار ضعیف و متوسط را به صورت کارآمد افزایش داد. اگر جهش تولید به دلیل تشدید فشارها و تحریم‌های اقتصادی با مشکلات بسیاری مواجه است، اما می‌توان نرخ تورم را در کوتاه‌مدت کنترل کرد به شرط آنکه دولت دخل و خرج خود را مدیریت ترسیم چنین چشم‌اندازی دشوار است.

ادامه در صفحه ۲